

ارزیابی فقر چند بعدی در عشایر کوچنده ایران

علی یوسفی، حسن اسدی خوب، محسن افشاری^۱

تاریخ دریافت:

تاریخ پذیرش:

چکیده

هدف این نوشتار، سنجش و مقایسه فقر چند بعدی در ایل‌های عشایر کشور، با استفاده از روش ال‌کایر و فوستر می‌باشد. در این مطالعه، با استفاده از دو حد آستانه محرومیت درون و بین ابعاد، توزیع و شدت فقر محاسبه می‌گردد. شاخص فقر مطابق با شاخص فقر چند بعدی برنامه عمران ملل متحد شامل سه بعد آموزش (چهار معیار)، سلامت و بهداشت (پنج معیار) و استاندارد زندگی (هشت معیار) می‌باشد. داده‌های مورد نیاز این مطالعه را نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران تشکیل می‌دهد. نتایج نشان داد که ۴۲ درصد ایل‌ها در حداقل ۳۰ درصد معیارها محروم و به طور متوسط شدت فقر آنها ۴۶ درصد می‌باشد. همچنین، محرومیت ایل‌ها در معیارها و ابعاد متفاوت بوده است. مقایسه شاخص فقر چند بعدی و جانشین درآمد سرانه نشان داد که نتایج این معیارها هم‌پوشانی ندارند و شاخص فقر چند بعدی اطلاعات متفاوتی از معیار درآمد جهت سیاست‌گذاری ارائه می‌دهد. از طرفی، معیارهای بهبود تحصیل دختران، باسوادی زنان، دسترسی به مراکز بهداشتی درمانی، دسترسی به سرویس بهداشتی و واکسیناسیون ارتباط منفی معنی‌داری با فقر ایل‌ها دارا می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL : I25, I15, P46, I32

کلمات کلیدی: فقر چند بعدی، روش ال‌کایر و فوستر، عشایر، رهیافت قابلیت.

^۱ به ترتیب استادیار و دانش‌آموختگان کارشناسی ارشد گروه توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان

مقدمه

شناسایی فقرا و روش‌های فقرزدایی از مهمترین مسائل پیشروی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان است. در دهه‌های اخیر، فقر مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی و جهانی قرار گرفته به طوری که سالانه پژوهش‌ها، برنامه‌ها و کنفرانس‌های متعددی برای چاره‌اندیشی درباره آن برگزار می‌شود (باچراچ و بارتز، ۱۹۷۰؛ نولان و ویلان، ۱۹۹۶ و گیلدر، ۲۰۱۲). رویکرد اصلی و محوری در عمده تحلیل‌های اقتصادی اعم از اقتصاد کلاسیک و اقتصاد توسعه رویکردی مبتنی بر درآمد می‌باشد. از این‌رو، در سنجش فقر، درآمد عامل تعیین‌کننده سطح زندگی مادی هر فرد تلقی می‌شود (روجاس، ۲۰۰۸؛ آلکایر و سانتوس، ۲۰۱۰؛ محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴). بنابراین، فقر را معمولاً برآورده نشدن نیازهای اساسی بشر به حد کفایت تعریف کرده‌اند. عدم توفیق بسیاری برنامه‌های توسعه معطوف به فقر و نابرابری، نارسائی‌های جدی نگاه محدود و ابزاری معطوف به درآمد (درآمد محوری) را نشان می‌دهد (سن، ۲۰۰۰). آمارتیا سن، اقتصاددان معروف هندی با انتقاد از سایه سنگین درآمد محوری بر تمامی جنبه‌های موضوعات اقتصادی نظیر فقر، نابرابری، رشد و توسعه، رویکرد «قابلیت انسانی» را به جای نگاه درآمد محوری در تحلیل‌های اقتصادی ارائه نمود (سن، ۱۹۸۵؛ سن، ۱۹۹۳). به باور سن، هدف نهایی توسعه بسط دامنه انتخاب انسان‌ها و فرآیند رو به گسترش آنست. بنابراین، فقیر کسی نیست که درآمد ندارد بلکه کسی است که نمی‌تواند از وضعیت فقر خارج شود. بر اساس این دیدگاه، فقر را باید به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفت و نه صرفاً پایین بودن درآمدها و مخارج که معیار متعارف شناسایی فقرا است. بر پایه همین دیدگاه، از سال ۱۹۹۰، درجه توسعه‌یافتگی کشورها بر اساس شاخص توسعه انسانی مبتنی بر سه قابلیت انسانی زندگی سالم و طولانی (امید به زندگی)، دسترسی به دانش و آگاهی (آموزش) و استاندارد زندگی (درآمد) مورد سنجش قرار می‌گیرد (مک‌گیل‌وری و نوربخش، ۲۰۰۷؛ کلوگمن و همکاران، ۲۰۱۰). با وجود اینکه رویکرد قابلیت پایه‌های مفهومی و نظری قابل قبولی دارد، هنوز در حوزه ارزیابی کاربردی فقر، گسترش چندانی نیافته و مطالعات محدودی در زمینه

شناسایی فقرا و شدت فقر انجام پذیرفته است (محمودی و صمیمی فر، ۱۳۸۴؛ فیریرا، ۲۰۱۱؛ راولیون، ۲۰۱۱).

در کشور پژوهش‌های فراوانی فقر را مبتنی بر رهیافت درآمد محور اندازه‌گیری نموده‌اند که می‌توان به صمدی (۱۳۷۸)، شوشتریان (۱۳۸۶)، شیروانیان و اسماعیلی (۱۳۸۸)، خدادکاشی و حیدری (۱۳۸۸)، صالحی اصفهانی (۲۰۰۹) و افتخاری و همکاران (۱۳۹۱) اشاره نمود. ویژگی مشترک تمامی این مطالعات آنست که فقر را به صورت تک بعدی بر اساس درآمد و یا هزینه‌های خانوار سنجیده‌اند. از دیگر سوی، مطالعات اندکی در زمینه سنجش چند بعدی فقر در کشور صورت پذیرفته است؛ علی مددی (۱۳۸۷)، شاخص فقر چند بعدی را برای سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵ با در نظر گرفتن ابعاد درآمد، مسکن، تملک دارایی‌های بادوام، سلامت، تامین اجتماعی، اوقات فراغت و آموزش محاسبه نمود. شیروانیان و بخشوده (۲۰۱۲)، توزیع و شدت فقر را بر پایه ابعاد آموزش، مسکن، غذا، درآمد و سلامت در مناطق روستایی مورد ارزیابی قرار داده، نتیجه گرفتند که فقر به صورت چند بعدی پدیده‌ای اپیدمیک در مناطق روستایی می‌باشد و سهم بالایی از فقر به ابعاد مسکن و آموزش مربوط می‌شود.

از جمله مهمترین مطالعات در زمینه شاخص فقر چندبعدی (MPI^۱)، شاخص جدید فقر گزارش توسعه انسانی برنامه عمران سازمان ملل^۲ از سال ۲۰۱۰ می‌باشد. این شاخص، نشان‌دهنده محرومیت افراد جوامع در قابلیت‌های اولیه انسانی می‌باشد و الگوی متفاوت از فقر درآمدی را ارائه نموده است. چارچوب نظری این شاخص در موسسه توسعه انسانی و فقر دانشگاه آکسورد تدوین شده است. این شاخص بر پایه روش ال‌کایر و فوستر^۳ است که با استفاده از دو حد آستانه^۴ محرومیت و فقر؛ توزیع و شدت فقر را محاسبه می‌نماید. MPI دارای سه بعد آموزش، سلامتی و استاندارد زندگی است که با استفاده از ده معیار اندازه‌گیری

^۱ Multidimensional Poverty Index

^۲ United Nations Development Programme (UNDP)

^۳ Alkire and Foster method

^۴ Dual cutoff

می‌شود. ابعاد، و معیارهای این شاخص در جدول (۱) نشان داده شده است (برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱).

جدول (۱). ابعاد و معیارهای شاخص فقر چند بعدی در گزارش توسعه انسانی UNDP

آموزش	استاندارد زندگی	سلامت	سازمان
۱- عدم ثبت نام یا ترک تحصیل فرزندان در سن مدرسه رفتن؛ ۲- هیچکدام از افراد خانوار دوره ابتدایی را به پایان نرسانده باشد.	۱- عدم دسترسی خانوار به برق؛ ۲- عدم دسترسی خانوار به آب آشامیدنی مناسب؛ ۳- عدم دسترسی خانوار به امکانات بهداشتی مناسب؛ ۴- کف اقامتگاه خانوار از خاک، شن، ماسه و یا کود باشد؛ ۵ سوخت خانوار برای پخت و پز از چوب، ذغال سنگ یا کود حیوانی باشد؛ ۶- خانوار دارای خودرو یا تراکتور نباشد یا اینکه حداقل از بین رادیو، تلویزیون، یخچال، دوچرخه و موتورسیکلت حداقل دو تا را نداشته باشد.	۱- مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال خانوار؛ ۲- سوء تغذیه هر یک از افراد بزرگسال و یا کودکان خانوار.	سازمان

مأخذ: برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱

از طرفی، تهیه بسیاری از شاخص‌های توسعه از جمله شاخص توسعه انسانی (HDI) و شاخص فقر چند بعدی (MPI)، تلاشی در جهت پوشش کاستی‌های شاخص‌های درآمد محور نظیر درآمد سرانه بوده است. البته این تلاش‌ها بدان معنی نمی‌باشد که معیار درآمد اثر تعیین‌کننده در توسعه یا فقر جوامع ندارد. بلکه، تاکید بر آنست که به جزء درآمد، متغیرهای تعیین‌کننده دیگری نیز وجود دارند. بنابراین، این شاخص‌ها باید نتایجی متفاوت از شاخص‌های درآمد محور را دارا باشند؛ در غیر اینصورت محاسبه این شاخص‌ها اطلاعات متفاوتی از معیارهای درآمد محور در اختیار نمی‌گذارند و تهیه آنها ضرورتی نخواهد داشت. مطالعات

مختلفی نظیر مک‌گیل‌وری (۱۹۹۱)، مک‌گیل‌وری و وایت (۱۹۹۲)، کاهیل (۲۰۰۵)، مک‌گیل-وری و نوربخش (۲۰۰۷) میزان همبستگی بین شاخص توسعه انسانی (HDI) و اجزاء آن به ویژه درآمد سرانه را مورد بررسی قرار داده‌اند. دوریک (۲۰۰۷)، در بررسی رابطه بین امید به زندگی و درآمد سرانه کشورها نشان داد که به ترتیب به ازاء هر ۱۵ و ۸ درصد افزایش در درآمد سرانه کشورهای ثروتمند و فقیر، امید به زندگی یکسال افزایش می‌یابد. بنابراین، ارزیابی میزان هم‌پوشانی نتایج پژوهش‌های فقر چند بعدی با درآمد محور، میزان اهمیت و اثربخشی سنجش فقر بر مبنای رویکرد قابلیت را نشان می‌دهد.

ایلات و عشایر در ایران از فرهنگ‌ها، قوم‌ها، زبان‌ها و گویش‌های متفاوت با یکدیگر، در ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منسجمی سامان یافته‌اند. عشایر کوچنده سه ویژگی ساخت اجتماعی قبیله‌ای، شیوه زندگی مبتنی بر کوچ و اتکای معاش بر دامداری را دارا می‌باشند. به عبارتی، هر فرد این جامعه خود و خانواده‌اش را متعلق و وابسته به یک گروه اجتماعی بزرگتر و معمولاً خویشاوند می‌داند و غالباً به آن مباحثات می‌کند. از طرفی، تأمین معاش خانوارهای عشایر متکی بر دامداری بوده و اگر منابع دیگری برای معاش وجود داشته باشد، حالت فرعی و جنبی دارد و چون معیشت عشایر کوچنده متکی بر دام‌هایی است که آن‌ها را در مراتع طبیعی می‌چرانند؛ لذا با تغییر فصل از نقطه‌ای به نقطه دیگر و از منطقه‌ای به منطقه دیگر کوچ می‌کنند و فصل سرد را در قشلاق و فصل گرم را در ییلاق بسر می‌برند. بر اساس نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور سال ۱۳۸۷، تعداد ۲۱۲۶۶۰ خانوار عشایری با ۱۱۸۶۸۳۰ نفر جمعیت در سطح کشور وجود داشته است. تعداد خانوارها و جمعیت عشایر کوچنده نسبت به سرشماری عشایری سال ۱۳۷۷ به ترتیب حدود ۶ و ۹ درصد افزایش و کاهش را نشان می‌دهد که نشانگر شکسته شدن خانوارهای گسترده به خانوارهای هسته‌ای است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).

عشایر کوچنده یکی از فقیرترین و آسیب‌پذیرترین گروه‌های موجود در جوامع، به دلیل سیاست دولت‌ها، ماهیت زندگی و وابستگی آنها به طبیعت است (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۸۸). با توجه به اینکه تاکنون وضعیت فقر عشایر در کشور مورد بررسی قرار نگرفته است؛ این مطالعه

به دنبال ارزیابی فقر به صورت چند بعدی در ایل‌های عشایر کشور می‌باشد. همچنین، با توجه به اهمیت انتخاب مقادیر آستانه محرومیت و فقر در روش آکایر و فوستر، حساسیت میزان و شدت فقر نسبت به این مقادیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پایان، نتایج شاخص فقر چندبعدی و درآمد محور مقایسه می‌شود.

روش تحقیق

این مطالعه میزان و شدت فقر را به صورت چند بعدی در میان ایل‌های عشایر کشور، با استفاده از روش ال‌کایر و فوستر محاسبه می‌نماید. مبانی نظری این روش به شرح زیر می‌باشد: n نشانگر تعداد افراد جامعه و $d \geq 2$ تعداد ابعاد مد نظر در شاخص فقر می‌باشد. $y = [y_{ij}]$ ماتریس $n \times d$ میزان دستیابی افراد جامعه به ابعاد مدنظر را نشان می‌دهد که $y_{ij} \geq 0$ میزان دستیابی فرد i ام ($i=1, \dots, n$) را در بعد j ام ($j=1, \dots, d$) را نشان می‌دهد. به عبارتی، بردار ردیفی y_i میزان کل دستیابی فرد i ام و بردار ستونی y_j میزان توزیع بعد j ام در بین تمامی افراد نشان می‌دهد. دامنه ماتریس دستیابی برابر با $Y = \{y \in R_+^{nd} : n \geq 1\}$ است. $z_j \geq 0$ نشانگر سطح آستانه‌ی محرومیت در بعد j ام است؛ در صورتی که سطح دستیابی فرد کمتر از این حد باشد، در این بعد محروم در نظر گرفته می‌شود. بردار ردیفی Z سطح آستانه‌ی محرومیت‌ها را نشان می‌دهد. روش اندازه‌گیری چند بعدی فقر از دو مرحله شناسایی و محاسبه شاخص ترکیبی تشکیل شده است. تابع شناسایی $\rho: R_+^d \times R_+^d \rightarrow \{0,1\}$ با استفاده از بردار دستیابی فرد i ام $y_i \in R_+^d$ و بردار سطح آستانه $z \in R_+^d$ در $\rho = (y_i, z) = 1$ صورتی که فرد فقیر باشد و $\rho = (y_i, z) = 0$ در صورتی که فرد فقیر نباشد را نشان می‌دهد. به کار بستن ρ به بردار دستیابی هر یک از افراد، مجموعه $Z \subseteq \{1, \dots, n\}$ از افراد محروم در Y به ازاء مقادیر معین Z را ارائه می‌دهد (آکایر و فوستر، ۲۰۱۱).

به ازاء مقادیر معین y ، ماتریس $g^0 = [g_{ij}^0]$ متشکل از اعداد صفر و یک است: اگر $y_{ij} \leq z_j$ باشد آنگاه $g_{ij}^0 = 0$ ؛ در غیر اینصورت، $g_{ij}^0 = 1$ در نظر گرفته می‌شود. به عبارتی، g^0 ماتریس $n \times d$ است که عنصر j ام آن در صورتی یک می‌باشد که فرد i ام در بعد j ام محروم

باشد. آیین بردار ردیفی g^0 - که آن را g_i^0 می‌نامیم - محرومیت‌های فرد \bar{a} را نشان می‌دهد. از ماتریس g^0 بردار ستونی جمع محرومیت‌ها c حاصل می‌گردد که عنصر \bar{a} آن $c_i = |g_i^0|$ ، تعداد محرومیت‌هایی را که فرد \bar{a} رنج می‌برد، نشان می‌دهد. لازم به ذکر است که حتی اگر متغیرهای تشکیل دهنده ماتریس y رتبه‌ای باشند، می‌توان g^0 و c را بدست آورد. جهت شناسایی فقراء، در صورتی که میزان محرومیت‌های فرد بیش از یک حد مشخص باشد، فقیر تلقی می‌شود. به ازاء مقدار معین $\rho_k, k=1, \dots, d$ تابع شناسایی فقرا به این صورت تعریف می‌شود که $\rho_k(y_i; z) = 1$ در صورتی که $c_i \geq k$ و $\rho_k(y_i; z) = 0$ وقتی که $c_i < k$ - باشد. به عبارتی، ρ_k تعیین می‌کند که فرد \bar{a} فقیر است در صورتی که در حداقل k بعد محروم باشد. در مرحله بعد، درصد جمعیت فقراء و شدت فقر محاسبه می‌گردد. درصد فقرا $H=H(y; z)$ به صورت $H = q/n$ و $q = q(y; z) = \sum_{i=1}^n \rho_k(y_i; z)$ تعریف می‌شود. جهت محاسبه شدت فقر، مجموع بردار سانسور شده‌ی محرومیت‌ها $c(k)$ را که در آن $c_i(k) = \rho_k(y_i; z)c_i$ می‌باشد؛ بدست می‌آوریم. میانگین شدت فقر در میان فقراء برابر با $A = |c(k)| / (qd)$ است (آلکایر و فوستر، ۲۰۱۱).

داده‌های مورد استفاده در این پژوهش جهت سنجش فقر چند بعدی را نتایج سرشماری اجتماعی - اقتصادی عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران تشکیل می‌دهد. به عبارتی، پس از بررسی نتایج تفصیلی ایلی و فرهنگ عشایری سرشماری، متناسب با هر معیار، محاسبات لازم انجام پذیرفته است.

در این مطالعه، فقر بر پایه سه بعد آموزش (چهار معیار)، سلامت و بهداشت (پنج معیار) و استاندارد زندگی (هشت معیار) به تفکیک ایلی‌ها سنجیده شده است. ابعاد مورد استفاده بر پایه شاخص فقر چند بعدی برنامه عمران سازمان ملل می‌باشد (برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱). همچنین، معیارها نیز باتوجه به نوع ماهیت زندگی عشایر، اهداف توسعه هزاره، معیارهای شاخص فقر چند بعدی گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد و داده‌های موجود در سرشماری عشایر انتخاب شده است (آلکایر و سانتوس، ۲۰۱۰). معیارهای هر یک از این ابعاد

در جدول (۲) آورده شده است. بر اساس تعریف سازمان ملل، هر فردی که در سن مدرسه رفتن باشد، اما تحصیل نکند، انسانی محروم در بعد آموزش در نظر گرفته می‌شود. همچنین، بی‌سوادی بزرگسال نیز از معیارهای مهم در بعد آموزش می‌باشد. این دو معیار در بعد آموزش در سنجش فقر ایل‌ها استفاده شده است. برنامه عمران سازمان ملل برای سنجش فقر در بعد سلامتی از دو معیار میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال و سوء تغذیه کودکان و مادران استفاده می‌کند. با توجه به عدم دسترسی به داده‌های مورد نیاز این معیارها در سرشماری عشایر؛ بر پایه اهداف مورد توافق توسعه در سطح جهان نظیر اهداف توسعه هزاره و همچنین اطلاعات موجود در سرشماری، در بعد بهداشت و سلامتی؛ معیارهای دسترسی به امکانات واکسیناسیون، پزشک سیار، سرویس بهداشتی، مراکز بهداشتی و درمانی و مامای آموزش دیده در نظر گرفته شده است. با توجه به شیوه سکونت عشایر بر اساس ییلاق و قشلاق و شرایط آب و هوایی و همچنین اطلاعات موجود در سرشماری، در بعد استاندارد زندگی؛ وضعیت سکونتگاه عشایر در نظر گرفته نشده است. همچنین، بررسی نوع دسترسی عشایر به آب آشامیدنی نشان می‌دهد که درصد بسیار بالایی از عشایر منبع آب آشامیدنی‌شان رودخانه، چشمه و قنات می‌باشد که امکان قضاوت در مورد سالم و بهداشتی بودن این منابع وجود ندارد. از طرفی، با توجه به ماهیت زندگی کوچ نشینی عشایر و وابستگی درآمد و معاش آنها به دامداری، معیارهای سرانه دام سبک (گوسفند، بره، بز و بزغاله) و سنگین (اسب، استر، قاطر، شتر، گاو، گاو میش و الاغ) هر ایل به عنوان یکی از معیارهای بعد استاندارد زندگی لحاظ شده است. دیگر معیارهای این بعد، دسترسی به برق عمومی، نوع سوخت برای پخت و پز، دسترسی به رادیو، ضبط و تلویزیون، تلفن همراه و ثابت و وسایل نقلیه موتوری و دسترسی به تعاونی و فروشگاه عشایری می‌باشد که بر پایه معیارهای شاخص فقر سازمان ملل می‌باشد (برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱). همچنین، از آنجا که مدت زمان کوچ عشایر و اقامت آنها در ییلاق و قشلاق با هم برابر نیست (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷)؛ جهت محاسبه درصد دسترسی به خدمات و امکانات، مدت زمان ییلاق و قشلاق هر ایل به صورت نسبی مبنای ارزیابی قرار گرفته است.

از طرفی، آستانه اول محرومیت در هر معیار (Z)، صدک سی ام هر معیار و آستانه دوم فقر (k)، بر اساس مقدار مدنظر در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد، برابر با ۰/۳ در نظر گرفته شده است. با توجه به اهمیت انتخاب مقادیر آستانه در سنجش فقر چند بعدی، حساسیت نتایج میزان و شدت فقر به ازاء مقادیر مختلف (Z) و (k) مورد بررسی قرار می گیرد. همچنین، وزن ابعاد سه گانه و وزن معیارها در هر بعد مطابق با رویه گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد، مساوی در نظر گرفته شده است. بنابراین، وزن معیارهای ابعاد آموزش، سلامت و بهداشت و استاندارد زندگی به ترتیب ۱/۱۲، ۱/۱۵ و ۱/۱۸ می باشد. جهت محاسبه شاخص ترکیبی فقر از میانگین وزنی محرومیت ها استفاده شده است (اتکینسون، ۲۰۰۲؛ برنامه عمران ملل متحد، ۲۰۱۱).

جدول (۲). ابعاد و معیارهای مورد استفاده در سنجش فقر عشایر

ابعاد	معیارها
آموزش	۱- مردان در سن ۶ تا ۱۴ سال که از تحصیل محروم هستند؛ ۲- زنان در سن ۶ تا ۱۴ که از تحصیل محروم هستند؛ ۳- بی سواد مردان؛ ۴- بی سواد زنان
سلامت و بهداشت	۱- عدم دسترسی به واکسیناسیون؛ ۲- عدم دسترسی به مامای آموزش دیده؛ ۳- عدم دسترسی به سرویس بهداشتی؛ ۴- عدم دسترسی به مراکز درمانی؛ ۵- عدم دسترسی به پزشک سیار
استاندارد زندگی	۱- عدم دسترسی به برق عمومی؛ ۲- نداشتن وسایل نقلیه موتوری؛ ۳- استفاده از چوب، ذغال و کود حیوانی برای پخت و پز؛ ۴- عدم دسترسی به رادیو، ضبط و تلویزیون؛ ۵- عدم دسترسی به تلفن همراه و ثابت؛ ۶- عدم دسترسی به تعاونی و فروشگاه عشایری؛ ۷- سرانه دام سبک؛ ۸- سرانه دام سنگین

از دیگر سوی، جهت مقایسه میزان هم پوشانی نتایج سنجش فقر درآمد محور و چند بعدی، ایل های کشور از منظر درآمدی بر اساس ارزش سرانه دام های سبک و سنگین رتبه بندی می شوند. به عبارتی، با توجه به اینکه از یک سوی داده های مورد نیاز برای برآورد درآمد ایل ها در دسترس نبوده و همچنین، درآمد ملموس و ناملموس عشایر با تعداد دام های آنها ارتباط

مستقیمی دارد که لزوماً در بازار نیز مبادله نمی‌شود؛ استفاده از معیار ارزش سرانه دام منطقی به نظر می‌رسد. در محاسبه ارزش سرانه دام، از شاخص‌های قیمت طرح نمونه‌گیری "قیمت فروش محصولات و هزینه خدمات کشاورزی در مناطق روستایی سال ۱۳۸۷" مرکز آمار ایران به تفکیک استان‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷). همچنین، جهت ارزیابی میزان ارتباط شاخص فقر چندبعدی و اجزاء تشکیل دهنده‌ی آن، از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شده است.

نتایج و بحث

جامعه مورد مطالعه را ۲۱ ایل بزرگ کشور با جمعیت در حدود ۶۲۵ هزار نفر تشکیل می‌دهد. ایل بختیاری و افشار به ترتیب بیشترین و کمترین جمعیت را با ۱۴۰ و ۶/۶ هزار نفر دارا می‌باشند. با توجه به اینکه عشایر مکان مشخص و ثابتی برای اقامت و زندگی کردن ندارند و یک ایل ممکن است بیلاق و قشلاق خود را در دو یا چند استان متفاوت بگذرانند؛ نمی‌توان محل استقرار عشایر را بر حسب اسکان در استانی خاص مشخص نمود. از طرفی، بعد خانوار در میان ایل‌های عشایر به صورت میانگین ۵/۷ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷) که بالاتر از بعد خانوار در کشور - ۴/۰۳ و ۳/۵۵ نفر در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰- می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰). از جمله دلایل بالا بودن بعد خانوار در جامعه عشایری را می‌توان به فرهنگ حاکم بر جامعه عشایری، شیوه زندگی و نیاز به نیروی انسانی برای کمک در نگهداری دام، عدم دسترسی لازم و مناسب در مقایسه با جامعه شهری به وسایل بهداشتی و پیش‌گیری، هزینه پایین فرزندان نسبت به جامعه شهری و روستایی اشاره نمود (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷).

بعد آموزش

نتایج جدول (۳) بیانگر آنست که میزان بی‌سوادی عشایر در مقایسه با جامعه شهری و روستایی بسیار بالاتر می‌باشد. از طرفی، درصد بی‌سوادی زنان به طور متوسط ۱۸ درصد بیش از مردان می‌باشد. بیش از نیمی از زنان در ایل‌های ذلکی، میلان، میوند و بهمنی بی‌سوادی

هستند. همچنین تحصیل دختران عشایر نیز دارای وضعیت مطلوبی نمی‌باشد و در ایل‌های ذلکی، میلان و میوند بیش از نیمی از دختران در سن ۶ تا ۱۴ سال، از تحصیل محروم هستند.

جدول (۳). وضعیت تحصیل و بی‌سوادی در ایل‌های منتخب (درصد)

نام ایل	بی‌سوادی زنان	بی‌سوادی مردان	دختران در سن ۶ تا ۱۴ سال که تحصیل نمی‌کنند	پسران در سن ۶ تا ۱۴ سال که تحصیل نمی‌کنند
ذلکی	۷۰	۴۸	۵۹	۳۲
میلان	۵۵	۲۳	۵۰	۳۰
میوند	۵۶	۳۹	۵۰	۳۳
جلالی	۴۷	۲۱	۴۲	۲۳
بهمئی	۵۶	۳۲	۴۱	۲۱
بلوچ	۴۹	۴۰	۳۸	۳۱
بختیاری	۴۹	۳۲	۳۷	۲۳
هرکی	۶۰	۲۸	۳۵	۱۶
میانگین	۴۶	۲۸	۳۲	۲۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷

از دیگر سوی، حدود ۳۲ درصد دختران در سن مدرسه رفتن عشایر، تحصیل نمی‌کنند. از مهمترین دلایل عدم تحصیل دختران و بیسوادی زنان عشایر می‌توان به به شیوه‌ی زندگی عشایری و عدم دسترسی راحت و آسان به مدرسه برای تحصیل دختران نظیر طی مسیر طولانی و مخالفت خانواده اشاره نمود.

بعد بهداشت و سلامت

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد میزان دسترسی به امکانات بهداشتی در عشایر کوچنده در تمامی معیارها بسیار پایین بوده، به ترتیب تنها ۶، ۲۴، ۲۲ و ۱۲ درصد از رده‌ها به مامای آموزش‌دیده، مراکز بهداشتی، سرویس بهداشتی و پزشک سیار دسترسی دارند. از دیگر سوی، تفاوت‌هایی بین ایل‌ها وجود دارد و ایلی نظیر هرکی، تقریباً به هیچکدام از این امکانات دسترسی ندارد. هرچند وضعیت استفاده از واکسیناسیون شرایط بهتری دارد و در حدود ۵۴ درصد از رده‌ها دسترسی لازم را دارا می‌باشند.

جدول (۴). وضعیت دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی در رده‌های ایل‌های منتخب (درصد)

پزشک سیار	سرویس بهداشتی	مراکز-درمانی بهداشتی	مامای آموزش دیده	واکسیناسیون	ایل
۳	۲	۱	۰	۵	هرکی
۴	۹	۶	۱	۲۰	میلان
۷	۲۱	۱۱	۲	۲۶	شاهسون
۱۱	۱۸	۲۳	۷	۳۵	بهمئی
۹	۱۸	۱۱	۵	۳۵	قره داغ
۸	۴	۵	۱	۴۲	جلالی
۱۰	۱۶	۱۰	۲	۴۲	جبال بارزی
۸	۱۵	۱۳	۴	۴۳	بلوچ
۱۲	۲۲	۲۴	۶	۵۴	میانگین

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷

با توجه به اهمیت سلامت و بهداشت مادران و کودکان و همچنین تاکید بر آن در اهداف توسعه هزاره نظیر دسترسی به مامای آموزش دیده، واکسیناسیون و سرویس بهداشتی؛ عشایر کشور در بعد بهداشت در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند.

بعد استاندارد زندگی

جدول (۵) معیارهای مدنظر در بعد استاندارد زندگی را نشان می‌دهد. سرانه دام سبک و سنگین عشایر به طور متوسط به ترتیب $۱۶/۴$ و $۰/۴$ راس می‌باشد. همچنین، به جزء ایل‌های ذالکی، جبال و بلوچ که زیر ۱۰ درصد دسترسی به تلفن دارند؛ در حدود نیمی از خانوارهای سایر ایل‌ها، دسترسی به تلفن دارند. در میان امکانات در اختیار خانوارها، بالاترین دسترسی مربوط به رادیو و تلویزیون (۶۹ درصد) می‌باشد. از طرفی، پایین‌ترین سطح دسترسی مربوط به برق عمومی می‌باشد که رده‌های ایل‌های نظیر قره‌داغ، میلان و طیبی تنها ۵ درصد و از دیگر سوی، رده‌های ایل‌های کرد و افشار حدود ۴۰ درصد دسترسی دارند.

جدول (۵). وضعیت خانوارها و رده‌های ایل‌های کشور در بعد استاندارد زندگی (درصد)

ساخت پخت و پز خانوار (نفق سفید، گازوئیل و گاز)	دسترسی رده به			امکانات در اختیار خانوار		سرانه دام (راس)*		نام ایل
	تعمیرات	وسایل نقلیه موتوری	شرکت تعاونی و فروشگاه عشایری	راديو ضبط و تلفن	تلفن	گاو	گوسفند	
۴۴	۱۲	۵۹	۸۷	۶۰	۵۳	۰/۳	۲۰/۴	قشقایی
۱۸	۲۱	۱۱	۸۲	۶۵	۲۰	۰/۴	۱۱/۸	بختیاری
۹۴	۱۲	۳۹	۷۲	۹۰	۷۲	۰/۶	۱۹/۸	شاهسون
۸۵	۲	۴۳	۷۱	۹۰	۸۹	۰/۷	۱۷/۲	قره داغ
۴۱	۱۵	۸۱	۷۳	۵۳	۵۰	۰/۲	۲۵/۶	خمسه
۱۲	۲۵	۲۲	۷۵	۶۱	۱۷	۰/۵	۱۴/۳	میوند
۱۲	۲۱	۲۱	۷۳	۶۷	۲۵	۰/۴	۱۱/۵	بویرا احمد سفلی
۴۴	۲۱	۲۱	۸۸	۷۰	۴۷	۰/۳	۲۰/۳	کلهر
۸۴	۳	۲۷	۶۶	۹۶	۷۵	۰/۹	۲۰/۶	جلالی
۳۲	۳۸	۵۹	۴۴	۴۸	۹	۰/۴	۱۶/۴	بلوچ
۱۲	۲۵	۲۶	۷۶	۶۳	۴۴	۰/۳	۱۱/۴	ممنسی
۱	۵	۲۰	۶۰	۵۶	۲۱	۰/۴	۹/۷	طیپی
۹۰	۲	۴۲	۵۱	۹۴	۶۵	۰/۲	۱۹/۴	میلان
۳۴	۴۳	۴۰	۳۵	۶۱	۴۵	۰/۴	۲۰/۵	کرد
۱۰	۱۹	۲۲	۴۱	۵۹	۱۹	۰/۴	۱۱/۵	بهمئی
۵۱	۳۹	۵۹	۵۶	۶۶	۳۱	۰/۱	۱۹/۹	افشار
۵۵	۳	۲۸	۴۵	۹۸	۵۴	۰/۶	۱۲/۲	هرکی
۳۷	۳۰	۵۱	۸۶	۶۱	۵۸	۰/۳	۱۳/۲	قلخانی
۸	۲۱	۵	۳۳	۸۳	۴	۰/۵	۱۰/۴	ذلکی
۱۶	۳۶	۲۸	۴۳	۴۶	۵	۰/۴	۲۴/۴	جبال
۲۳	۴۱	۲۰	۹۱	۶۵	۲۹	۰/۴	۱۳/۶	بویرا احمد علیا
۳۸	۲۱	۳۴	۶۴	۶۹	۴۰	۰/۴	۱۶/۴	میانگین

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷، *محاسبات تحقیق

لازم به ذکر است که میزان دسترسی عشایر به امکانات تا حدودی به مدت زمان بیلاق و قشلاق ایل وابسته است. هرچند در مطالعات فقر، فارغ از شرایط آب و هوایی و نوع سکونت، شرایط فرد به عنوان یک انسان از نظر برخورداری از قابلیت‌های اولیه انسانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. از میان ۸ معیار مدنظر در این بعد، ۵ معیار منطبق با شاخص فقر چند بعدی سازمان ملل می‌باشد؛ که نشان می‌دهد عشایر وضعیت چندان مناسبی در این بعد نیز ندارند.

محاسبه شاخص فقر چند بعدی

با استفاده از روش آلكاير و فوستر و با در نظر گرفتن سه بعد و ۱۷ معیار، شاخص ترکیبی فقر هر ایل برآورد شده است. جدول (۶) نتایج محاسبه شاخص ترکیبی فقر را نشان می‌دهد. شاخص ترکیبی فقر، عددی بین صفر و یک می‌باشد که در صورت محرومیت ایلی در تمامی ابعاد، یک و عدم محرومیت در هیچ معیاری، صفر می‌شود. با در نظر گرفتن سطح آستانه دوم ۳۰ درصد ($k=0/3$)، میزان و شدت فقر در ایل‌ها به ترتیب ۴۲ و ۴۶ درصد خواهد بود ($H=0/42$, $A=0/46$). به عبارتی، ۴۲ درصد ایل‌ها در حداقل ۳۰ درصد معیارهای مدنظر محروم و به طور متوسط شدت محرومیت آنها ۴۶ درصد می‌باشد.

بر اساس شاخص چند بعدی فقر، ایل‌های ذالکی، میلان، بهمئی، هرکی، بلوچ، میوند، طیبی، جلالی و جبال بارزی فقیر می‌باشند. با در نظر گرفتن ۲۰ درصد محرومیت در ابعاد ($k=0/2$)، ایل‌های بختیاری، افشار، شاهسون و ممسنی در آستانه فقر قرار دارند. در میان ایل‌های محروم، فقر در تعدادی از ایل‌ها شدیدتر می‌باشد؛ به طوری که ایل‌های ذلکی، میلان و بهمئی به ترتیب در ۵۹ و ۵۳ درصد معیارها محروم می‌باشند. همچنین، شدت فقر در ابعاد مختلف در میان این ایل‌ها یکسان نمی‌باشد؛ ایل ذالکی در ابعاد آموزش و استاندارد زندگی و ایل میلان در بعد سلامت محروم‌تر می‌باشند. از طرفی، ایل‌های بویراحمد علیا، قلخانی و کلهر بهترین جایگاه و موقعیت از نظر فقر را در میان ۲۱ ایل عشایر دارا می‌باشند. ایل‌های پرجمعیت بختیاری و قشقایی نیز به ترتیب در شرایط آستانه فقر و عدم فقر قرار دارند.

جدول (۶). اندازه گیری شاخص فقر چند بعدی در عشایر کوچنده

مجموع	محرومیت در ابعاد (درصد)			آستانه فقر $k=0.2$	آستانه فقر $k=0.3$	نسبت فقر بسیار	نام	رتبه فقر بسیار
	استاندارد زندگی	بهداشت	آموزش					
۵۹	۶۳	۲۰	۱۰۰	-	فقیر	۰/۶۰۸	ذلکی	۱
۵۳	۲۵	۱۰۰	۵۰	-	فقیر	۰/۵۸۳	میلان	۲
۵۳	۶۳	۲۰	۷۵	-	فقیر	۰/۵۲۵	بهمئی	۳
۴۷	۲۵	۱۰۰	۲۵	-	فقیر	۰/۵	هرکی	۴
۴۱	۳۸	۲۰	۷۵	-	فقیر	۰/۴۴۲	بلوچ	۵
۳۵	۲۵	۰	۱۰۰	-	فقیر	۰/۴۱۷	میوند	۶
۴۷	۶۳	۶۰	۰	-	فقیر	۰/۴۰۸	طیبی	۷
۳۵	۱۳	۸۰	۲۵	-	فقیر	۰/۳۹۲	جلالی	۸
۳۵	۳۸	۴۰	۲۵	-	فقیر	۰/۳۴۲	جبال بارزی	۹
۲۹	۳۸	۰	۵۰	آستانه فقر	-	۰/۲۹۲	بختیاری	۱۰
۲۴	۱۳	۴۰	۲۵	آستانه فقر	-	۰/۲۵۸	افشار	۱۱
۲۴	۱۳	۶۰	۰	آستانه فقر	-	۰/۲۴۲	شاهسون	۱۲
۲۴	۳۸	۰	۲۵	آستانه فقر	-	۰/۲۰۸	ممسنی	۱۳
۱۸	۱۳	۲۰	۲۵	-	-	۰/۱۹۲	کرد	۱۴
۱۸	۱۳	۴۰	۰	-	-	۰/۱۷۵	قره داغ	۱۵
۱۸	۳۸	۰	۰	-	-	۰/۱۲۵	بویراحمد	۱۶
۱۲	۲۵	۰	۰	-	-	۰/۰۸۳	قشقایی	۱۷
۱۲	۲۵	۰	۰	-	-	۰/۰۸۳	خمسه	۱۷
۶	۱۳	۰	۰	-	-	۰/۰۴۲	کلهر	۱۸
۶	۱۳	۰	۰	-	-	۰/۰۴۲	قلخانی	۱۸
۶	۱۳	۰	۰	-	-	۰/۰۴۲	بویراحمد	۱۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل حساسیت مقادیر آستانه

انتخاب مقادیر متغیرهای آستانه اول و دوم، اهمیت فراوانی در محاسبه شاخص‌های میزان و شدت فقر دارا می‌باشد. در این مطالعه، آستانه اول (حد محرومیت در هر معیار) برابر با صدک سی‌ام هر معیار و آستانه دوم (حد فقر شاخص ترکیبی هر ایل) برابر با ۳۰ درصد در نظر گرفته شده است. به عبارتی، هر ایل در صورتی که به طور متوسط در ۳۰ درصد معیارها محروم باشد؛ فقیر تلقی می‌شود. جداول (۷) و (۸) میزان فقر (H) و شدت فقر (A) را بر حسب مقادیر مختلف آستانه اول (Z) و آستانه دوم (k) نشان می‌دهد.

جدول (۷). تحلیل حساسیت میزان فقر (H) در عشایر کوچنده (درصد)

آستانه اول (Z)					
۰/۴۵	۰/۴	۰/۳۵	۰/۳	۰/۲۵	
۱۰۰	۹۰/۵	۸۵/۷	۷۶/۲	۶۶/۷	۰/۱
۸۵/۷	۷۶/۲	۷۱/۴	۶۱/۹	۴۲/۹	۰/۲
۷۱/۴	۶۱/۹	۶۱/۹	۵۲/۴	۴۲/۹	۰/۲۵
۶۱/۹	۵۲/۴	۵۲/۴	۴۲/۹	۳۸/۱	۰/۳
۴۷/۶	۴۷/۶	۴۷/۶	۳۸/۱	۳۳/۳	۰/۳۵
۴۷/۶	۴۷/۶	۴۲/۹	۳۳/۳	۲۳/۸	۰/۴
۳۸/۱	۳۳/۳	۲۸/۶	۱۴/۳	۱۴/۳	۰/۵
۲۸/۶	۱۹	۹/۵	۴/۸	۴/۸	۰/۶

آستانه دوم (k)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۷) نشان می‌دهد که با فرض آستانه اول برابر با صدک بیست و پنجم‌ام و آستانه دوم برابر با ۰/۳۵؛ میزان فقر در عشایر ۳۳ درصد خواهد بود. از طرفی، به ترتیب با افزایش و کاهش Z و k، میزان فقر افزایش می‌یابد. همچنین با فرض $k=0/3$ (مقدار مدنظر در مطالعات سازمان ملل)، میزان فقر در عشایر کوچنده به ازاء مقادیر مختلف Z، ۳۸ تا ۶۲ درصد می‌باشد.

با فرض $k=0/35$ ، بر حسب مقادیر مختلف Z ، میزان فقر تنها از ۳۳ تا ۴۷ درصد دارای تغییرات می‌باشد.

جدول (۸). تحلیل حساسیت شدت فقر (A) در عشایر کوچنده (درصد)

آستانه اول (Z)					
۰/۴۵	۰/۴	۰/۳۵	۰/۳	۰/۲۵	
۴۲/۹	۴۱/۲	۳۸	۳۵/۷	۳۳/۳	۰/۱
۴۷/۷	۴۶/۴	۴۲/۸	۴۰/۱	۴۳/۵	۰/۲
۵۲/۸	۵۱/۷	۴۶	۴۳/۳	۴۳/۵	۰/۲۵
۵۶/۳	۵۶/۱	۴۹/۶	۴۶/۹	۴۵/۵	۰/۳
۶۳/۵	۵۸/۶	۵۱/۵	۴۸/۴	۴۷/۴	۰/۳۵
۶۳/۵	۵۸/۶	۵۳/۱	۴۹/۸	۵۱/۷	۰/۴
۶۷/۴	۶۳/۱	۵۶/۸	۵۷/۲	۵۷/۲	۰/۵
۷۲/۱	۷۰	۶۵	۶۰/۸	۶۰/۸	۰/۶

آستانه دوم (k)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تحلیل نتایج شدت فقر نیز نشان می‌دهد که همگام با افزایش Z و k ، شدت فقر افزایش می‌یابد. با فرض $k=0/3$ ، میانگین شدت فقر برحسب مقادیر مختلف Z ، برابر با ۰/۴۵ تا ۰/۵۶ است.

مقایسه شاخص‌های فقر قابلیت و درآمد محور

نتایج مقایسه رتبه‌ی فقر ایل‌ها بر حسب رهیافت‌های قابلیت و درآمد در جدول (۹) نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین رتبه ایل‌ها در دو شاخص فقر چند بعدی و درآمد محور تفاوت وجود دارد. به طوری که ایل‌های میلان و جلالی با وجود وضعیت مناسب درآمدی در مقایسه با سایر ایل‌ها، جزء فقیرترین ایل‌ها می‌باشند.

جدول (۹). مقایسه رتبه فقر ایل‌ها بر اساس رویکردهای قابلیت و درآمد محور

اختلاف رتبه	ارزش سرانه دام (میلیون ریال)		شاخص فقر ترکیبی		ایل
	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	
-۲	۹/۷۷	۳	۰/۶۰۸۳	۱	ذلکی
-۱۳	۱۸/۷۳	۱۵	۰/۵۸۳۳	۲	میلان
۱	۸/۶۶	۲	۰/۵۲۵۰	۳	بهمئی
-۸	۱۵/۴۴	۱۲	۰/۵	۴	هرکی
-۴	۱۳/۷۰	۹	۰/۴۴۱۷	۵	بلوچ
-۴	۱۳/۹۶	۱۰	۰/۴۱۶۷	۶	میوند
۶	۸/۰۶	۱	۰/۴۰۸۳	۷	طیبی
-۱۳	۲۴/۲۲	۲۱	۰/۳۹۱۷	۸	جلالی
-۸	۱۹/۵۲	۱۷	۰/۳۴۱۷	۹	جبال بارزی
۵	۱۰/۳۰	۵	۰/۲۹۱۷	۱۰	بختیاری
۰	۱۵/۱۳	۱۱	۰/۲۵۸۳	۱۱	افشار
-۸	۲۲/۰۳	۲۰	۰/۲۴۱۷	۱۲	شاهسون
۹	۱۰/۰۱	۴	۰/۲۰۸۳	۱۳	ممسنی
۰	۱۷/۹۰	۱۴	۰/۱۹۱۷	۱۴	کرد
-۴	۲۰/۴۹	۱۹	۰/۱۷۵	۱۵	قره داغ
۱۰	۱۰/۵۷	۶	۰/۱۲۵	۱۶	بویراحمدهسلفی
۴	۱۶/۸۵	۱۳	۰/۰۸۳۳	۱۷	قشقایی
-۱	۱۹/۸۲	۱۸	۰/۰۸۳۳	۱۸	خمسه
۲	۱۹/۳۶	۱۶	۰/۰۴۱۷	۱۹	کلهر
۱۰	۱۲/۸۹	۸	۰/۰۴۱۷	۲۰	قلخانی
۱۱	۱۱/۹۶	۷	۰/۰۴۱۷	۲۱	بویراحمده علیا

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین ایل‌های بویراحمده علیا و قلخانی که از نظر رهیافت قابلیت بهترین وضعیت را دارند؛ رتبه هفتم و هشتم فقر را از نظر معیار درآمد دارا می‌باشند. از طرفی، ایل‌هایی نظیر بهمئی و ذلکی بر اساس هر دو معیار فقیر می‌باشند.

نتایج بررسی رابطه همبستگی بین ارزش سرانه دام ایلها، شاخص ترکیبی فقر و اجزاء آن در جدول (۱۰) نشان می‌دهد که بین جانشین درآمد سرانه و شاخص ترکیبی فقر ارتباط معنی‌داری وجود ندارد و بنابراین معیار مبتنی بر قابلیت نتایجی متفاوت از درآمد را دارا می‌باشد. جدول (۱۰) رابطه همبستگی بین ارزش سرانه دام ایلها، شاخص ترکیبی فقر و اجزاء آن

متغیر	شاخص فقر چند بعدی	ارزش سرانه دام
شاخص چند بعدی فقر	۱	-۰/۱۸۵
درآمد سرانه	-۰/۱۸۵	۱
پسران در سن تحصیل که مدرسه می‌دختران در سن تحصیل که مدرسه می‌	-۰/۰۶۹	-۰/۰۳۷
با سواد مردان	-۰/۰۷۰۲**	۰/۱۳۷
با سواد زنان	-۰/۰۵۴۳*	۰/۲۹۲
واکسیناسیون	-۰/۰۷۳۵**	۰/۱۹
دسترسی به مامای آموزش دیده	-۰/۰۴۶۴*	-۰/۳۸۶
دسترسی به مراکز بهداشتی و درمانی	-۰/۰۳۰۹	-۰/۲۲۴
دسترسی به سرویس بهداشتی	-۰/۰۶۳۵**	-۰/۱۸۴
دسترسی به پزشک سیار	-۰/۰۵۹۸**	-۰/۰۴۲۴
دسترسی به برق عمومی	-۰/۰۵۳۱*	-۰/۱۳۶
سوخت مصرفی برای پخت و پز	-۰/۰۲۸۹	-۰/۲۴۸
سرانه دام سبک	-۰/۰۳۱	۰/۸۰۷**
سرانه دام سنگین	-۰/۰۲۸۵	۰/۸۵۰**
استفاده از وسایل نقلیه موتوری	۰/۲۵۷	۰/۳۷۵
تلفن ثابت و همراه	-۰/۰۳۴	۰/۴۳۲
دسترسی به تعاونی و فروشگاه عشایری	-۰/۰۳۱۲	۰/۶۶۴**
رادیو ضبط و تلویزیون	-۰/۰۷۴۶**	۰/۰۶۲
	۰/۲۹۴	۰/۳۹۹

منبع: یافته‌های تحقیق * معنی داری در سطح ۱۰ درصد ** معنی داری در سطح ۵ درصد
از طرفی، معیارهای تحصیل دختران، باسواد زنان، دسترسی به مراکز بهداشتی درمانی، دسترسی به سرویس بهداشتی و واکسیناسیون ارتباط منفی معنی‌داری با فقر ایلها دارد؛ در نتیجه ارتقاء وضعیت آموزش و بهداشت عشایر به ویژه دختران و زنان، تاثیرگذارترین متغیرها بر بهبود وضعیت فقر می‌باشد.

بررسی رابطه بین میزان ارزش سرانه دام ایلها و اجزاء شاخص ترکیبی فقر نشانگر آنست که سطح درآمد ایلها تنها با نوع سوخت مورد استفاده برای پخت و پز و دارا بودن تلفن دارای ارتباط مثبت معنی داری می باشد.

نتیجه گیری و پیشنهادها

این مطالعه میزان و شدت فقر را بر حسب سه بعد آموزش، بهداشت و استاندارد زندگی بر پایه شاخص فقر برنامه عمران ملل متحد، با استفاده از روش الکایر و فوستر مورد ارزیابی قرار داد. نتایج نشان داد که ۴۲ درصد ایلها در حداقل ۳۰ درصد معیارها محروم و به طور متوسط شدت فقر آنها ۴۶ درصد می باشد. از طرفی، محرومیت ایلها در معیارها و ابعاد متفاوت بوده است. همچنان درصد بالایی از زنان عشایر بی سواد می باشند و ۳۲ درصد دختران در سن ۶ تا ۱۴ سال، از تحصیل محروم هستند. عشایر از نظر دسترسی به امکانات بهداشتی دارای وضعیت نامطلوبی می باشند؛ به ترتیب تنها ۶، ۲۴، ۲۲ و ۱۲ درصد از رده ها به مامای آموزش دیده، مراکز بهداشتی، سرویس بهداشتی و پزشک سیار دسترسی دارند.

از دیگر سوی، میزان و شدت فقر محاسبه شده مبتنی بر معیار فقر نسبی بوده است. به عبارتی، با توجه به ماهیت زندگی عشایر و نبود معیارهای مطلق برای سنجش محرومیتها، ایلها نسبت به یکدیگر مقایسه شده اند. در صورتی که معیارهای محرومیت به صورت مطلق و بر حسب استانداردهای جهانی و منطبق با زندگی عشایری تدوین گردد؛ دور از ذهن نمی باشد که میزان و شدت فقر در مقایسه با خانوارهای ساکن (شهری و روستایی) بیشتر باشد. همچنین، این مطالعه فقر را در بین ایلها مورد مقایسه قرار داده است؛ بنابراین، توزیع و شدت فقر در درون ایلها ممکن است وضعیت متفاوتی داشته باشد. مقایسه شاخص فقر چند بعدی و درآمد محور نشان داد که نتایج این معیارها هم پوشانی ندارند و شاخص فقر چند بعدی اطلاعات متفاوتی از معیار درآمد محور جهت سیاست گذاری ارائه می دهد. عدم همبستگی بین سطح بی سوادی زنان، میزان محرومیت از تحصیل دختران و عدم دسترسی به امکانات بهداشتی با معیار درآمد محور، نشان از توجیه استفاده از شاخص های فقر چند بعدی و اهمیت آموزش و

بهداشت زنان و دختران دارد که در اهداف توسعه هزاره نیز بر آنها تاکید شده است. یکی از مشکلات روش آلكاير و فوستر آنست كه پس از اعمال آستانه دوم فقر، اطلاعات افراد غير فقير حذف و در محاسبات بعدی در نظر گرفته نمی‌شود. هرچند پیشنهاد شده كه با تحلیل حساسیت آستانه دوم، می‌توان تا حدوی این مشکل را رفع كرد. در پایان با توجه به انجام پژوهش‌های بسیار اندك در زمینه سنجش فقر به صورت چند بعدی در كشور، پیشنهاد می‌شود كه مطالعات بیشتری در زمینه انتخاب ابعاد، معیارها و روش‌های محاسبه نظیر شاخص ترکیبی، تحلیل عاملی و مدل‌سازی معادلات ساختاری انجام پذیرد. همچنین با توجه به وضعیت نامطلوب عشایر در مقایسه با افراد ساكن در روستاها و شهرها، انجام مطالعات تکمیلی در جهت اندازه‌گیری فقر درون ایل‌ها و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

- افتخاری، ف.، آ. کرمی و م. نوری‌پور (۱۳۹۱) بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویر احمد، *اقتصاد کشاورزی*، ۶(۱): ۱۷۹-۲۰۴.
- امان‌الهی بهاروند، ا. (۱۳۸۸) کوچ‌نشینی در ایران: پژوهشی درباره عشایر و ایلات، انتشارات آگاه، تهران.
- خداداد کاشی، ف. و خ. حیدری (۱۳۸۸) اندازه‌گیری شاخص‌های فقر بر اساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی، *پژوهشنامه اقتصادی*، ۹(۳): ۲۰۵-۲۳۱.
- شوشتریان، آ. (۱۳۸۶) بررسی نهادهای تعیین‌کننده فقر روستایی با تاکید بر تعاونی‌های روستایی زنان در استان فارس، *ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران*، مشهد.
- شیروانیان، ع. و ع. اسماعیلی (۱۳۸۸) بررسی تاثیر تغییرات قیمت بر فقر روستایی (مطالعه موردی: استان فارس)، *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۴۰(۲): ۱۳-۲۵.
- صمدی، س. (۱۳۷۸) کاهش فقر: کارآیی و برابری در ایران، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشکده‌ی اقتصاد، دانشگاه تهران.

علی مددی، م. ص. (۱۳۸۷) اندازه گیری شاخص های چندبعدی فقر در ایران سال های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۵، پایان نامه کارشناسی ارشد مهندسی سیستمهای اقتصادی و اجتماعی - گرایش اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه صنعتی شریف.

محمودی، و. و ق. صمیمی فر (۱۳۸۴) فقر قابلیت، مجله رفاه اجتماعی، ۴ (۱۷): ۵-۲۷.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۵). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۷). طرح نمونه گیری از قیمت فروش محصولات و هزینه خدمات کشاورزی در مناطق روستایی.

مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) سرشماری اقتصادی اجتماعی عشایر کوچنده، دسترسی به صورت آنلاین:

<http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=647>

مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.

Alkire, S. and J. Foster (2011) Counting and multidimensional poverty measurement, *Journal of Public Economics*, 95(7-8). 476-487.

Alkire, S. and M.E. Santos (2010) Acute multidimensional poverty: A new index for developing countries, Oxford Poverty & Human Development Initiative (OPHI), Working Paper No. 38.

Atkinson, A. B. (2002). *Social Indicators: The EU and Social Inclusion*. Oxford, New York: Oxford University Press.

Bachrach, P. and M. S. Bartz (1970). *Power and Poverty: Theory and Practice*. Oxford University Press, New York.

Cahill, M. (2005) Is the human development index redundant?, *Eastern Economic Journal*, 31(1): 1-6.

Dowrick, S. (2007). Income-based measures of average well-being, in McGillivray, M. (Ed), *Human well-being: concept and measurement*, Palgrave-Macmillan.

Ferreira, F. (2011). Poverty is multidimensional. but what are we going to do about it, *Journal of Economic Inequality*, 9(3): 493-495.

Gilder, G. (2012). *Wealth and Poverty: A New Edition for the Twenty-First Century*, Regnery Publishing.

Klugman, J., F. Rodríguez and H. J. Choi (2010). The HDI 2010: new controversies, old critiques, *Journal of Economic Inequality*, 9(2): 249-288.

- McGillivray M. and F. Noorbakhsh (2007) Composite indexes of human well-being: past, present and future, in McGillivray, M. (Ed), Human well-being: concept and measurement, Palgrave-Macmillan.
- McGillivray, M. (1991) The human development index: yet another redundant composite development indicator, *World Development*, 19(10): 1461-1468.
- McGillivray, M. and H. White (1992) Measuring development? a statistical critique of the human development index, The Hague Institute of Social Studies, Working Paper 135.
- Nolan, B. and C. T. Whelan (1996). Resources, Deprivation, and Poverty. OUP Catalogue, Oxford University Press.
- Ravallion, M. (2011). On multidimensional indices of poverty, *Journal of Economic Inequality*, 9(2): 235-248.
- Rojas, M. (2008) Experienced poverty and income poverty in Mexico: a subjective well-being approach, *World Development*, 36(6): 1078-1093.
- Salehi-Isfahani, J. (2009) Poverty, inequality, and populist politics in Iran, *The Journal of Economic Inequality*, 7(1): 5-28.
- Sen, A. (1985) Well-being, agency and freedom: the Dewey lectures 1984', *The Journal of Philosophy*, 82(4): 169-221.
- Sen, A. (1993) Capability and well-being, In Nussbaum M. and A. Sen (Eds.), *The quality of life*, Clarendon Press, Oxford.
- Sen, A. (2000) A decade of human development, *Journal of Human Development*, 1(1): 17-23.
- Shirvanian, A. and M. Bakhshoodeh (2012) Investigating poverty in rural Iran: the multidimensional poverty approach, *Agricultural Sciences*, 3(5): 640-650.
- UNDP (2011). Multidimensional Poverty Index (MPI), The United Nations.

The Measurement of Multidimensional Poverty in Iran Nomads

Ali Yousefi, Hasan Asadi-Khoob, Mohsen Afshari¹

Abstract

The aim of this study is to measure the multidimensional poverty index (MPI) in Iranian nomads by using Alkire and Foster method. In this method, the incidence and intensity of poverty is calculated by within and cross dimensional cutoffs. The dimensions of poverty index according to the MPI of UNDP are education, health and standard of living. Furthermore, the required data consist of the results of the socioeconomic census of nomads in 2008. The results show that, 42% of the tribes are living in poverty condition, deprived at least in 30% of the indicators and intensity of their poverty is 46%. On the other hand, the deprivations of tribes in the dimensions and indicators are heterogeneous. The comparison of the results of the MPI and income per capita indicates low overlap. Therefore, MPI provides further and different information than monetary poverty for policy makers. Moreover, there was a significant negative correlation between the tribe's poverty and improvement on girl school attendance, women literacy rate, access to clinical center, sanitation and vaccination programs.

JEL Clasification: I32, P46, I15, I25

Keywords: *multidimensional poverty, Alkire and Foster method, nomads, capability approach.*

¹ Respectively Assistant Professor and Postgraduated Students at the Department of Rural Development, Isfahan University of Technology, Isfahan, Iran.

Email: ayousefi@cc.iut.ac.ir